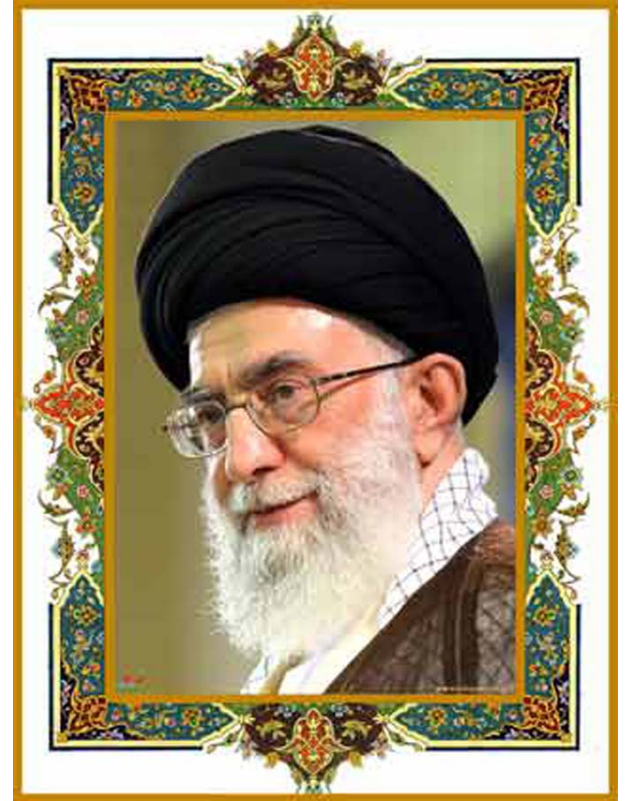


حدیث اخلاق ۱۸

سرمايه اصلی زندگی



«عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ أَصْحَابِهِ» حضرت امام کاظم علیه السلام از پدرانشان از امام حسین علیه السلام نقل می کند که حضرت امیر علیه السلام نزد اصحابش نشسته بود و «يُعَبِّهِمْ لِلْحَرْبِ» آنها را برای جهاد آماده می کرد که «إِذْ أَنَا هُوَ شَيْخٌ عَلَيْهِ شَجَبَةُ السَّفَرِ»؛ پیرمردی وارد شد که آثار خستگی و غبار آلودگی

سفر هنوز بر او بود. «شجبه» همین غبار آلودگی است معلوم است که از سفر مستقیم به مسجد آمده بوده و نرفته غبار سفر را از خود تمیز کند.

«فَقَالَ أَيْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقِيلَ هُوَ ذَا»؛ پرسید که امیرالمؤمنین کدامین شماست؟ معلوم است که از جاه و مقام و ظاهر سلاطین خبری نبوده و مجبور بوده بپرسد که کدام یک از شما امیر مؤمنان است.

«فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي أَتَيْتُكَ مِنْ نَاحِيَةِ الشَّامِ وَأَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ سَمِعْتُ فِيكَ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا أَحْصِي وَ إِنِّي أَظُنُّكَ سَتُعْتَالُ فَعَلَّمَنِي مِمَّا عَلَّمَكَ اللَّهُ» گفت: پیرمردی هستم که از شام می آیم و درباره شما آنقدر فضایل شنیده ام که نمی توانم بشمارشان. من گمان می کنم که شما بزودی به قتل می رسید. «تُعْتَالُ»؛ یعنی قتل بدون خبر قبلی، به زبان امروزی ترور. من هم پیرمردی هستم که دوست دارم چیزی از شما بیاموزم.

در مقابلش دنیای معرفت و حکمت است و می داند که این نیز از میان می رود. می خواهد مغتنم بشمارد و چیزی بشنود. حضرت نیز ظرفیت مخاطب را می بیند چیست و جواب می دهد. «قَالَ: نَعَمْ يَا شَيْخُ، مَنْ اغْتَدَلَ يَوْمَهُ فَهُوَ مَعْبُونٌ» حضرت گفت: اول اینکه هر که دو روزش مساوی باشد، مغبون است. بشر چه در حرکت فردی و چه در حرکت اجتماعی باید دائم در پیشرفت باشد، نه فقط پسرفت نداشته باشد. اگر پیش نرفتیم سر ما کلاه رفته است چون سرمایه ما از بین می رود. باقی مانده عمر ماست، همین شبانه روز که سرمایه اصلی ماست. حالا این سرمایه می رود و چیزی به دستم نیامده است. ببینید حضرت چه کلمات حکیمانه ای را بیان می کند.

دوم اینکه «وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا» کسی که همتش دنیا است، به هنگام رفتن از دنیا حسرت خواهد خورد. همه تلاش ما این باشد که مقامی بدست آوریم، پولی بدست آوریم، شهرتی بدست آوریم. وقتی همه همت ما دنیا شد، وقتی ملک الموت را ببینیم حسرت خواهیم خورد. (الأمالی للصدوق، ص ۳۹۳)